



عنوان: فصلنامه علمی نسیم کوثر

مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد حسینی دره صوفی

ویراستار: سیده نیلوفر حسینی

گرافیکست: سیده زهرا حسینی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۰۰,۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶

سایت فصلنامه: nasimekosar.blog.ir

ایمیل: nasimkosar1399@gmail.com

دفتر مرکزی و محل چاپ: قم

راهنمایی نویسندگان و شیوه نامه نگارش فصلنامه علمی نسیم کوثر

۱. مقاله قبلا در نشریه دیگری به چاپ نرسیده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
۲. مقاله دارای عنوان، چکیده به زبان فارسی، واژگان کلیدی، مقدمه، متن اصلی، نتیجه گیری، منابع و مأخذ باشد.
۳. مقاله در برنامه word و باقلم IR lotus و اندازه ۱۴ نازک بوده و عنوان مقاله با قلم B Titr و اندازه ۱۴ تایپ شود.
۴. حجم هر مقاله حداقل ۱۲ و حداکثر ۲۲ صفحه باشد.
۵. کلمات کلیدی بین ۴-۷ کلمه و بصورت فارسی باشد.
۶. چکیده فارسی، از ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باشد.
۷. معادل انگلیسی اصطلاحات و مفاهیم علمی رایج، پانویست شود.
۸. ارجاع به منابع درون متنی باشد. داخل پرانتز، نام خانوادگی، سال انتشار و شماره صفحات ذکر شود. مثال (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶، ۱۰۰).
۹. فهرست منابع و مأخذ، به ترتیب الفبای نام خانوادگی نویسندگان، باشد
(الف) کتابها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، (بصورت توپر)، نام خانوادگی مترجم یا مصحح، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، محل انتشار و ناشر. مثال: هارت، هربت، ۱۳۹۰، مفهوم قانون، راسخ، محمد، تهران، نشر نی.
- (ب) مقالات: نام خانوادگی، نام، سال انتشار، عنوان مقاله، (بصورت توپر)، نام مجله، شماره مجله و شماره صفحات اول و آخر مقاله. مثال: رضایی، محسن، ۱۳۸۵، روش تجربی، فرهنگ مدیریتی، سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۷۲-۱۸۹.
۱۰. در زیر عنوان مقاله اسم نویسنده یا نویسندگان و در قسمت پاورقی ایمیل و سمت پژوهشگر و همچنین مشخص نمودن نویسنده مسئول. (به عنوان مثال حسینی، سید محمد، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم).
۱۱. مقالات بیانگر آرا و نظرات نویسندگان است و فصلنامه نسیم کوثر مسئولیتی در قبال محتوا و نویسنده آن ندارد.

اعضای هیأت تحریریه:

۱. سید محمد حسینی دره صوفی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی،
نخبه و پژوهشگر برتر در دانشگاه بین المللی المصطفی. قم
۲. دکتر سید رضی قادری، دکتری فلسفه اخلاق از دانشگاه باقر العلوم،
سطح چهار فقه و اصول حوزه، استاد سطوح عالی حوزه. قم
۳. سید مهدی نقوی، ارشد رشته ادیان ابراهیمی، قم جامعه المصطفی
۴. سید طالب زکی، دانش آموخته کارشناسی ارشد فقه و معارف اسلامی،
جامعه المصطفی العالمیه، قم.

فهرست مطالب

واکاوی حق آزادی بیان اتباع خارجه در ایران از منظر فقه اهلبیت ، حقوق ایران و اسناد بین المللی	۷
بررسی تطبیقی روش های تعلیم و تربیت از دیدگاه علامه طباطبایی (با تاکید بر تفسیر المیزان) و ژان پیازه	۲۳
حکمرانی مهاجرت در ایران: خلاهای سیاست گذاری و چالش های مدیریتی	۴۳
آثار ایمان از منظر قرآن و روایات اسلامی	۶۶
مبانی اسلامی مقاومت در برابر اشغالگری؛ تبیین و تحلیل دیدگاه های قرآنی، روایی، فقهی و حقوقی	۹۰
مشارکت سیاسی زنان در تصدی مناصب دولت اسلامی	۱۰۴
منع تسلط کفار بر ممالک اسلامی از منظر فقه	۱۲۲
تحلیل حدیث رفع و تبیین حکم رفع شده در «ما لایعلمون»	۱۵۲
بررسی ماهیت جرم ارتداد (حدی یا تعزیری)	۱۶۴
بررسی قیاس و کاربرد آن در نظام حقوق کیفری ایران و افغانستان	۱۸۱



سال پنجم، بهار ۱۴۰۴، شماره ۱۸

حکمرانی مهاجرت در ایران: خلاهای سیاست‌گذاری و چالش‌های مدیریتی

سید محمد فیروزی^۱؛ ذبیح‌الله عثمانی^۲

چکیده: هدف این پژوهش، بررسی انتقادی سیاست‌های مهاجرتی جمهوری اسلامی ایران بوده که با روش تحلیل مضمون و با رویکرد توصیفی - تحلیلی انجام شده است. جامعه‌آماري این پژوهش، براساس مطالعات عمومی و مشورت با کارشناسان، کلیه قوانین و آئین‌نامه‌ها و پژوهش‌های داخلی مرتبط با پدیده مهاجرت مشخص شد. نمونه‌گیری براساس تعیین واژگان کلیدی و فهرست عناوین، و داده‌ها براساس فیش‌برداری جمع‌آوری، و تحلیل داده‌ها؛ با کدگذاری اولیه و بعد، کدها در قالب مضامین، و در نهایت شبکه‌ای از مضامین تشکیل و تحلیل گردید. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که؛ دولت ایران، فاقد یک سیاست روشن و به‌روز شده در مورد مسأله مهاجرت است. این در حالی است که، از یک‌سو مهاجرت‌های نخبگان و جوانان حالت افزایشی داشته و مکانیسمی کارآمد برای جلوگیری از آن وجود ندارد و از سوی دیگر؛ سیاست‌های چندپارچه، به‌روزشده، مبهم و فاقد راهبردهای استراتژیک؛ مانع جذب متخصصان، کارآفرینان، سرمایه‌گذاران و نخبگان و نیز مانع ادغام مهاجران موجود و سبب افزایش آسیب‌های اجتماعی آنان گردیده است. در پایان مقاله، به مراجع و ادارات ذی‌ربط پیشنهاداتی نیز ارائه گردیده است.

کلیدواژه‌ها: فرامغزها، سیاست‌های مهاجرتی، مهاجران، ادغام اجتماعی، ایران.

۱. دکترای جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه یزد

(sayedmohammadfirozi@yahoo.com)

۲. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد (zabiullah.osmani123123@gmail.com)

۱. مقدمه

در جهان امروزی، مهاجرفرستی و مهاجرپذیری یک اصل انکارناپذیر در ساخت، ترکیب و توزیع جمعیت‌های انسانی شناخته می‌شود. در حال حاضر، اغلب کشورها برای پدیده مهاجرفرستی و مهاجرپذیری اهمیت خاصی قائل هستند و برنامه‌های ویژه‌ای برای آن تدوین نموده‌اند. کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی، جاذبه‌ها و فرصت‌هایی را ایجاد می‌کنند تا افراد و گروه‌های کارآفرین، نخبگان، متخصصان، سرمایه‌گذاران، گردشگران و جوانان با تحصیلات تکمیلی را تشویق نموده و به کشورهای شان جذب نمایند. همچنین، کشورهای مهاجرفرست که نیروهای متخصص و نخبه را از دست می‌دهند در صدد جذب نیروهای مشابه از دیگر کشورها هستند. جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهای مهاجرفرست و مهاجرپذیر در دنیاست که با چهار چالش اساسی مواجه است. اول؛ جمعیت ایران وارد فاز سالخوردگی شده است. مقام معظم رهبری و تمام مسوولان به این مساله اذعان نموده و نگرانی‌شان را از این بابت ابراز کرده‌اند. پژوهش‌های زیادی می‌دانی و آماری نیز موبد این مساله هست. پژوهشی نشان می‌دهد که سالخوردگی جمعیت کشور، اجتناب‌ناپذیر است و سطح پائین باروری به مساله دامن می‌زند (ضرغامی و میزایی، ۱۳۹۴: ۷۳). پژوهشی دیگر تاکید دارد که روند سالمندی جمعیت ایران پرشتاب بوده و در هر حال، این کشور با پدیده سالمندی جمعیت روبه‌رو خواهد بود (فتحی، ۱۳۹۸: ۳۸۷). پژوهش دیگر نیز نشان می‌دهد که جمعیت ایران، دوران جوانی خود را پشت سر گذاشته و با روند صعودی، در حال ورود به میانسالی و سالخوردگی است (محمود زاده و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۱۲)

دوم؛ این کشور از جمله کشورهایی است که آمار و ارقام مهاجرتِ نیروهای متخصص، نخبه و تحصیل کرده آن بیش از مهاجرت سایر اقشار است. چنانچه گزارش سالنامه مهاجرتی ایران در سال ۱۳۹۹ با بررسی‌های انجام شده نشان داده است که اولین گروه شغلی ایرانیان در کشورهای OECD گروه متخصصان هستند. و آمار این متخصصان در این کشورها روند صعودی داشته که از سال ۲۰۰۰ تا

۲۰۱۵ از ۲۵ درصد به ۲۹/۶ درصد افزایش داشته و همچنان، تا سال ۲۰۱۵ ایرانیان با تحصیلات عالی تا ۶۵ درصد در این کشورها افزایش داشته است (صلواتی، ۱۳۹۹: ۱۳۰). همچنین، گزارش سالنامه مهاجرتی ایران در سال ۱۴۰۰ نشان می‌دهد که ۳۷/۲ درصد المپادی‌ها، ۲۵/۵ درصد مشمولان بنیاد نخبگان و ۱۵/۴ درصد رتبه‌های یک تا هزار کنکور در خارج از کشور هستند (صلواتی، ۱۴۰۰: ۳۲). پژوهشی نیز نشان می‌دهد که ایران جزو سه کشور است که بالاترین میزان فرار مغزها را دارد (ملکشاهی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۷۲). قاسمی و امیری (۱۳۸۹) نیز تایید می‌کند که بنابه دلایل مختلف مهاجرت متخصصان و سرمایه‌گذاران ایرانی حالت افزایشی داشته و آمریکا یکی از مقاصد مهم آن‌ها بوده است. سوم؛ سیاست‌ها و قوانینی سخت‌گیرانه مهاجرتی این کشور، مانع جذب و ادغام مهاجران نخبه، متخصص، کارآفرین، تحصیل‌کرده و سرمایه‌گذار شده‌است. چنانچه، جمهوری اسلامی ایران، در جذب و پذیرش نخبگان و استعدادهای برتر نیز یا برنامه نداشته یا هم برنامه موفق و کارآمد نداشته است. زیرا، رتبه ایران در شاخص جهانی رقابت‌پذیری برای استعدادها در میان ۱۳۲ کشور، رتبه ۱۰۲ و در میان ده کشور برتر آسیایی جنوبی و مرکزی رتبه هفتم را دارد. این شاخص جهانی در سال ۲۰۱۳ به منظور سنجش قدرت و توانایی کشورها در توسعه، جذب و تقویت استعدادها ایجاد شده است (صلواتی، ۱۴۰۰: ۴۵-۴۶). اگر اوضاع و احوال بدین‌گونه ادامه یابد، در دهه‌های آتی جمهوری اسلامی ایران، جمعیت پیر و سالخورده خواهد داشت که درعین حال با کاهش شدید نیروهای متخصص، کارآفرین و نخبه مواجه خواهد گردید. از سوی دیگر، در پی مهاجرت شهروندان نخبه و متخصص این کشور به سایر کشورها و عمدتاً به کشورهای غربی و ایالات متحده آمریکا و نیز عدم جذب مهاجران نخبه از دیگر کشورها در ایران، این کشور با کاهش ژن‌های با نبوغ و نخبه، که نسل‌های بالقوه هستند نیز مواجه خواهد شد (زلفی‌گل، ۱۳۸۳: ۱۳). زرق و برق کشورهای توسعه‌یافته‌ی غربی و جاذبه‌های نخبه‌پذیری آن کشورها و همچنین هژمونی فرهنگی و صنعت فرهنگی کشورهای غربی، تمایل و تصمیم به مهاجرت را در بسیار از نخبگان و متخصصان کشورهای توسعه‌نیافته و آسیایی ایجاد کرده و می‌کند (اسماعیلی، ۱۳۸۵: ۱۳۹). این درحالی است

که با توجه به ارزش مادی و معنوی هر یک از متخصصان و تحصیل یافتگان که از کشورهای مبدا خارج می‌شوند هزینه‌های هنگفتی را بر این کشورها تحمیل می‌کند. چنانچه، دفتر سازمان بین‌المللی کار، ارزش آموزش و پرورش هریک از منابع بشری که کشورهای جهان سوم به آمریکا می‌فرستد با نرخ ثابت بین سالهای ۱۹۷۱-۱۹۷۲ را ۲۰۰۰۰ دلار برآورد کرده است. بدون، تفاوت‌ها در ارزش ارز، تنها در سال ۱۳۸۰ ارزش ۱۷۰۰۰۰ نیروی تحصیل کرده ایرانی که به آمریکا مهاجرت کرده‌اند حدود ۳/۴ میلیارد دلار محاسبه شده است (قاسمی و امیری، ۱۳۸۹: ۱۳۴ به نقل از ارشاد، ۱۳۸۰: ۴۶).

باتوجه به اینکه هیچ پژوهشی انتقادی در مورد سیاست‌های مهاجرتی جمهوری اسلامی ایران تاحال انجام نشده و این تحقیق در نوع خودش بکر و جدید است. بنابراین سوال اصلی تحقیق شناسایی و دریافت کاستی‌ها و نواقص سیاست‌ها و قوانین مرتبط با مهاجرت بوده و همچنین تحلیلی از آثار و پیامدهای منفی این کاستی‌ها و چالش‌ها نیز ارائه خواهد شد و در پایان باتوجه به یافته‌های تحلیلی و تخصصی پیشنهاداتی نیز ارائه می‌شود.

۲. چارچوب نظری

در دهه‌های اخیر مهاجرت رشد چندبرابری داشته و براساس آمارهای سازمان‌های جهانی هم‌اکنون حدود ۲۸۰ میلیون نفر خارج از کشورشان و به شکل مهاجر زندگی می‌کنند (صلواتی، ۱۴۰۰). چنانچه این جابه‌جایی و تغییر مکانی به یک بحران و به یک مساله‌ی جهانی تبدیل و کانون توجه بسیاری از دانشمندان و دولتمردان قرار گرفته که ناشی از شدت مهاجرت‌ها و پیامدهای آن است. به‌طوری‌که مفاهیم چون «عصر مهاجرت» را کاستلتز و میلر (۱۹۸۸ م) و «شهر جهانی» را ساسن (۲۰۰۱ م) مطرح کرده‌اند. مهاجرت به بیرون از مرزهای سیاسی چنان مسئله‌زا و پرماجرا بوده است که صندوق جمعیت سازمان ملل، مهاجرت بین‌المللی را به عنوان «بحران انسانی عصر ما» قلمداد کرده‌است (لوکاس و میر، ۱۳۸۴: ۲۸۸). در تبیین علل و عوامل مهاجرت، نظریه‌هایی وجود دارد. اینجا به چند نظریه اشاره می‌شود که پشتیبانی

بهتری از این پژوهش دارد.

نظریه محرومیت نسبی که به وسیله استارک و ونگ مطرح شد، نشان می‌دهد که، نارضایتی زمانی ظهور می‌کند که دستمزدها پائین باشد. براساس این نظریه مهاجرت تصادفی نیست، بلکه پاسخی در برابر رفع محرومیت‌هاست. البته همه محرومیت‌ها سبب مهاجرت نمی‌شود بلکه محرومیت‌های که ارزش‌های بلندتری دارند. زمانیکه فرد یا جمعی در یک جامعه یا سازمان نتوانند با محرومیت‌ها کنار آیند، دست به مهاجرت خواهند زد. از دیدگاه این‌ها، مهاجرت نتیجه وجود محرومیت‌ها در جامعه و سازمان‌های اجتماعی است و مهاجرت سبب سلسله تغییرات در جامعه مبدأ و مقصد می‌گردد. اورت.س.لی در نظریه (دافعه و جاذبه) معتقد است که چهار عامل عمده بر تصمیم مهاجرت تاثیر می‌گذارد: الف- عوامل موجود در مبدأ (برانگیزنده و بازدارنده)؛ ب- عوامل موجود در مقصد (برانگیزنده و بازدارنده)؛ ج- موانع موجود در جریان مهاجرت از مبدأ به مقصد؛ د- عوامل شخصی (حسینی، ۱۳۹۲: ۱۹۲).

نظریه وابستگی، در این نظریه، جامعه عرصه تضادها و مبارزات طبقاتی است و متغیرهای مانند روابط حاکمیت، تقسیم کار، توزیع نابرابر امکانات اقتصادی و تغییرات و دگرگونی‌های اساسی مورد بحث قرار می‌گیرند. در دیدگاه تضاد تبیین پدیده‌ها و مسائل اجتماعی در مقیاس کلان یعنی نظام‌های سیاسی اجتماعی است. بنابراین، در تعیین جریان‌ات مهاجرتی، لازم است اول به مساله توسعه نیافتگی توجه کرد زیرا، در این جهت است که روابط نابرابر ساختی و مکانی بین بخش‌های مختلف جامعه مورد توجه قرار می‌گیرد (حاج حسینی، ۱۳۸۵: ۴۴-۴۵).

کولمن (۲۰۰۶) و نظریه‌گذار مهاجرتی: این نظریه، در میان نظریات جمعیت‌شناسی از جمله نظریات جدید محسوب می‌شود که در پی ظهور و شکل‌گیری امواج جدید و سیل‌آسایی مهاجرت‌های بین‌المللی با حجم‌های گسترده، شکل گرفته است. در این نظریه مطرح می‌گردد که با توجه به تجربیات تاریخی کشورها و واقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی کشورهای مهاجرفرست و مهاجرپذیر، کشورهای مهاجر فرست، خود به کشورهای مهاجرپذیر تبدیل می‌گردد. زیرا، کشورهای که با

امواج مهاجرفرستی مواجه می‌شوند، پس از کاهش جمعیت و فراهم شدن زمینه‌های اشتغال و کار، جاذبه‌های مهاجرپذیری را خود به خود خلق می‌کند (سروری، ۱۳۹۵: ۱۲۳).

تودارو؛ معتقد است که توزیع نابرابر سرمایه و نیروی کار عامل مهمی مهاجرت است. زیرا کسانی دست به مهاجرت می‌زنند که در صدد فرصت‌های شغلی بهتر و درآمدهای بهتراند و در نظریه کاکردباوری، مهاجرت عامل تعادل جمعیتی در نیرو کار تلقی شده و این پدیده رانشی کارگران به سوی مناطق است که مشاغل و فرصت‌های کاری بیشتری دارند (قاسمی اردهانی و کاظمی پور، ۱۳۹۲: ۱۲۱-۱۲۲).

جانسون و طرح الگوی جهان‌گرا و بین‌المللی مهاجرت، در این الگو فرار مغزها منعکس‌کننده بازار بین‌المللی برای جذب و تقویت سرمایه انسانی است. براساس این الگو، سرمایه انسانی از مناطق با بازدهی ضعیف به مناطق دارای بازدهی بالا انتقال پیدا می‌کند. و این پدیده سرشار از سود برای کشورهای مقصد و عامل برای افزایش تولید جهانی است (ملک‌شاهی، ۱۴۰۰: ۲۷۳-۲۷۴). نظریه جهانی شدن و کم‌رنگ شدن مرزهای سیاسی و بین‌المللی؛ این نظریه تاکید دارد که با افزایش پدیده‌های جهانی و گسترش فرایند جهانی شدن؛ افراد به مناطق و مکان‌های جاذبه‌های بهتر دارد جذب شده و یک‌نوع جهان وطنی شکل می‌گیرد (همان، ۲۷۴).

در مورد ادغام مهاجران نظریه‌های جدید چنین ارائه شده است: بری؛ در مورد ادغام مهاجران، نظریه فرهنگ‌پذیری خود را با چهار راهبرد همچون: الف) همانندگردی ب) جدایی ج) یکپارچگی د) حاشیه‌نشینی مطرح کرده و سپس در پی انتقادات این راهبردها را چنین اصلاح نمود: الف) کوره ذوب (نفی فرهنگ مهاجران) ب) حصرگرایی ج) جداسازی د) کثرت‌گرایی فرهنگی. بوریس؛ در نظریه فرهنگ‌پذیری خود پنج راهبرد را برای ادغام مهاجران چنین معرفی می‌کند: الف) یکپارچگی ب) جداسازی ج) همانندگردی د) حصرگرایی و ه) فردگرایی. آنتونی‌گدینز؛ در نظریه ادغام خود، سه استراتژی را برای ادغام و پذیرش مهاجران چنین پیشنهاد می‌کند. الف) همانند شدن ب) کوره ذوب (نفی و طرد فرهنگ اجدادی مهاجران) ج) کثرت‌گرایی فرهنگی (برومندزاده، نوبخت، ۱۳۹۰)

از سوی دیگر، کشورهای مهاجرپذیر، برای مدیریت و ساماندهی مهاجران سیاست‌ها و راهبردهای را طرح و اجراء می‌کنند که آسیب‌ها و معایب حضور مهاجران را کاهش و مزایا آنان را افزایش دهند. اساساً، تمام مکاتب سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر تأثیرات مثبت و منفی مهاجرت بر جامعه مبدأ و مقصد اجماع نظر دارند (حاتمی، ۱۴۰۰: ۵-۶). ناسازگاری‌های فرهنگی و فشار اقتصادی از مهمترین آسیب‌ها و معایب مهاجران و موارد چون: تعادل جمعیتی، اشاعه تخصص، کارآفرینی، حرکت فرهنگی، ارزان شدن نیروی کار از جمله مهم‌ترین مزایای حضور مهاجران تلقی می‌گردد (داریوش و افخمی، ۱۳۸۹: ۴۰-۴۳). چنانچه، ملاحظه می‌گردد کشورهای توسعه‌یافته، از مهاجرت بین‌المللی به عنوان یک فرصت استفاده کرده و در جذب و پذیرش مهاجران نخبه از سراسر جهان موفق عمل نموده‌اند (زمانی منش و محمدی، ۱۳۹۸: ۲) و به همین ترتیب کشورهای که نخبگان و نیروی کار خویش را از دست می‌دهند در صدد پرکردن خلأ آن توسط جوانان و نخبگان کشورهای دیگر هستند. بنابراین، خروج و ورود نخبگان، متخصصان و نیروهای فنی کار در بسیاری از کشورها به یک اصل تبدیل شده است (عاکفی، ۱۳۹۸: ۳۴).

۱-۲. پیشینه تحقیق

۱. طلوع (۱۳۷۸) پژوهشی را با عنوان فرار مغزها، جذب مغزها و گردش مغزها انجام داده است. این پژوهش نشان می‌دهد که اکثر مهاجرت‌ها به سوی آمریکا و کشورهای پیش‌رفته‌ای اروپای می‌باشد، مجموعه عوامل موثر بر پدیده فرار متخصصان را دافعه‌های وطن، جاذبه‌های مقصد و عوامل شخصی و موانع بین راه می‌داند. توضیح این عوامل این است که، چالش‌های مبدأ یا دافعه‌های وطن همچون: چالش‌های سیاسی همانند خشونت و عدم امنیت، مشکلات اجتماعی - اقتصادی مثل بیکاری و فقر، بی‌عدالتی و تبعیض، مشکلات اداری، عدم وجود تسهیلات و خدمات برای متخصصان، جنگ تحمیلی و نظام سنتی می‌داند. عوامل شخصی همچون: احساس نا امنی، عقب ماندگی، مشکلات هویتی، عدم امید به آینده، احساس حقارت و توهین در وطن، احساس آزادی

در مقصد و عوامل مقصد، امکانات علمی، فرصت‌های شغلی، تسهیلات ویزا و اقامت، امکانات رفاهی، شایسته‌سالاری و امکان مشارکت در امور تخصصی و مدیریتی و عدم کارایی تخصصی در وطن در فرار مغزها موثراند.

۲. کاظمی پور (۱۳۷۹) در تحقیقی با عنوان زمینه‌ها و بسترهای علمی و اجتماعی فرار مغزها به بررسی آثار و پیامدهای فرار مغزها پرداخته است. هدف وی شناسایی فرار مغزها به لحاظ علمی و اجتماعی است. وی، در این مقاله به جاذبه‌های کشورهای مقصد و جذب دانشجویان و متخصصان در آن و دافعه‌های اقتصادی و غیر اقتصادی کشور مبدأ را برجسته کرده و فرار مغزها و متخصصان را به این سه دلیل (حاشیه‌نشینی سیاسی، حاشیه‌نشینی حرفه‌ای و حاشیه‌نشینی اجتماعی) خلاصه می‌کند.

۳. طایفی (۱۳۷۹) مقاله‌ای را با عنوان نگرش نظام‌گرا در بررسی عوامل موثر بر خروج نیروهای متخصص از کشور یا شکار مغزها ارائه نموده است. از نظر وی علت اصلی مهاجرت نخبگان را فقر کشورهای عقب‌مانده و فاصله زیاد کشورهای صنعتی با کشورهای در حال توسعه و عدم وجود سرمایه انسانی تشکیل می‌دهد. برخی خصایص فرار مغزها عبارتند از: حرکت و جابه‌جایی متخصصان و افراد ماهر از کشورهای در حال توسعه به توسعه‌یافته، که در آن تعداد اندکی از کشورهای توسعه‌یافته در مقابل تعداد زیادی از کشورهای در حال توسعه در تعامل هستند و این جریان پاسخی به فرایند پیچیدگی روزافزون اقتصادی در جوامع جهانی است. در این خصوص در مفهوم فرار مغزها و شکار مغزها وجود دارد. همچنین در این مطالعه رویکردهای علل مهاجرت را مبتنی بر عوامل کشش و رانش مبتنی بر عوامل عینی و ذهنی که عوامل عینی به معنی عوامل ورای ویژگی‌های بین کشورها می‌باشند و در هر کشور معین و زمان مشخص قابل تمیز هستند و عوامل ذهنی که عوامل متأثر از سیاست‌ها و تصمیمات یک دولت یا کشور خاص می‌باشد و عوامل عام و خاص یا عوامل کلان و خرد دسته‌بندی می‌کنند.

۴. ابراهیمی (۱۳۸۱) تحقیقی را با عنوان عوامل اقتصادی موثر برگرایش دانشجویان

رشته‌های برق و کمپیوتر به مهاجرت- دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف و دانشگاه تهران به مهاجرت انجام داده است. این پژوهش نشان می‌دهد که، عوامل اقتصادی نسبت به سایر عوامل اعم از علمی-آموزشی، فرهنگی- اجتماعی و سیاسی نقش برجسته داشته است.

۵. دهقان (۱۳۸۲) پژوهش را با عنوان از فرار مغزها تا پدیده نو و ناشناخته مبادله مغزها انجام داده است. وی نخستین تأثیر فرار مغزها بر کشورهای کمتر توسعه یافته یا مبدأ مهاجران را اتلاف هزینه‌ها می‌داند و نیز با خروج مغزها از کشورهای در حال توسعه، افراد ناکارآمدها وارد صحنه عمل خواهند شد و خسارت‌های جبران ناپذیری بر کشور تحمیل می‌شود.

۶. چلبی و عباسی (۱۳۸۳) در مطالعه‌ای به تبیین جامعه‌شناختی پدیده جابه‌جایی نیروی کار ماهر در سطح بین‌الملل و عوامل موثر بر آن پرداخته‌اند. یافته‌های این تحقیق در سطح خرد نشان می‌دهد که چهار متغیر سطح کیفی زندگی، آزادی، توسعه فرهنگی و درآمد؛ توان پیشگویی عضویت افراد را در دو گروه مهاجران و غیرمهاجران دارند. هم‌چنین نتایج داده‌ها در سطح کلان نشان می‌دهد که تعیین‌کننده‌های اقتصادی، دموکراسی و نابرابری بر میزان جذب و دفع نیروی کار ماهر تأثیرگذار هستند. برای مدیریت این پدیده دو استراتژی حفظ و بازیافت نیروی کار ماهر را پیشنهاد نموده‌اند.

۷. جواهری و سراج زاده (۱۳۸۴) پژوهشی را با عنوان جلای وطن، بررسی عوامل موثر برگرایش دانشجویان - دانشگاه‌های دولتی ایران به مهاجرت انجام داده‌اند. در این تحقیق نشان داده شده است که، متغیرهای پابندی به جامعه ملی و دینداری از عوامل بازدارند و نگرش انتقادی نسبت به شرایط کنونی و آینده از عوامل تشویق‌کننده به مهاجرت بوده است.

۸. طیبی و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیقی به منظور بررسی اثر فرار مغزها بر رشد اقتصادی کشورهای مبدأ، فرار مغزها از ۷۹ کشور در حال توسعه طی سال‌های ۱۹۹۰-۲۰۰۴ م بررسی نموده است. نتایج نشان داده‌اند که اثر فرار مغزها بر انباشت سرمایه انسانی کشورهای مبدأ منفی و معنی‌دار بوده است.

۹. پورقاضی (۱۳۹۱) پژوهشی را با عنوان بررسی جامعه‌شناختی تمایل به برون‌کوچی نخبگان علمی - استان مازندران انجام داده‌است. این تحقیق نشان داده که فرصت‌های شغلی به عنوان جاذبه در کشورهای مهاجرپذیر و کم‌توجهی به پژوهش و جایگاه نخبگان به عنوان دافعه در کشور مبدأ بوده است.

۱۰. فروتن و شیخ (۱۳۹۶) تحقیقی را در مورد تمایل دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد به مهاجرت در خارج کشور انجام داده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که، تمایل این دانشجویان به مهاجرت تابع متغیرهای همچون احساس امنیت، دینداری، هویت ملی و انگیزهای اقتصادی و شغلی است.

۳. روش تحقیق و داده‌ها

این تحقیق به لحاظ هدف کاربردی، به لحاظ منابع اسنادی بوده و با روش تحلیل مضمون و با رویکرد توصیفی - تحلیلی انجام شده است. تحلیل مضمون، یکی از روش‌های کیفی است که واحد تحلیل در آن بیشتر یک کلمه یا اصطلاح است. در این روش، به شناخت بافت داده‌ها و توضیح ایده‌های ضمنی و صریح تمرکز می‌شود. این روش به چارچوب نظری از قبل تعیین شده وابسته نیست و روش است که هم برای بیان واقعیت و هم برای تبیین آن به کار می‌رود. این روش به توصیف، تحلیل و تفسیر داده‌ها می‌انجامد و یکی از بهترین روش‌های متن پژوهی است (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۳). با توجه به عنوان و مساله اصلی این مقاله، جامعه آماری این پژوهش با مطالعات کلی و مشورت با استادان دانشگاه شامل (سه استاد دانشکده حقوق و دو استاد دانشکده علوم اجتماعی)؛ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قانون مدنی و تابعیت، قانون اشتغال - بخش اتباع خارجی، قوانین بانکی، آئین‌نامه تردد و اسکان اتباع خارجی، قانون تملک و قانون برنامه ششم توسعه تعیین شد. مواد و بندهای این قوانین و آئین‌نامه‌ها که مرتبط با سیاست‌های مهاجرتی بودند به شکل هدفمند انتخاب شد. پس از مطالعه و تطبیق با پرسش‌ها و اهداف تحقیق، مفاد و مفاهیم کلیدی استخراج و فیش برداری گردید. سپس، گزاره‌ها و مواد قانونی به کدهای کلیدی و سپس به مضامین طبقه‌بندی و تحلیل گردید. در این

پژوهش، سه مرحله اساسی، مطابق قاعده تحلیل مضمون که عبارت‌اند از تجزیه و توصیف، تشریح و تفسیر و ادغام مجدد (تدوین گزارش) انجام شده و در یک حالت رفت و برگشتی، جمع‌آوری داده‌ها با تحلیل هم‌زمان صورت گرفته است. پایایی و روایی این پژوهش نیز براساس الگوی لینکولن و گیوبا (۱۹۸۵) با اعتباربخشی، انتقال‌پذیری و صحت‌پذیری ارزیابی شده است.

۴. یافته‌ها

جدول شماره (۱): خلاصه‌ی از جامعه آماری مربوط به قوانین و آئین‌نامه‌ها، داده‌ها و تحلیل آن

قانون	کدهای کلیدی	مضامین	تحلیل کلی مضامین
قانون اساسی	- حق تابعیت برای اتباع خارجی - ملزم نکردن دولت به طرح و انفاذ قانون مشخص	کهنه بودن قانون تناقض مواد قانونی - سخت‌گیری در تابعیت موانع در جذب	تحلیل شبکه‌ای این مضامین نشان می‌دهد که سیاست‌های مهاجرتی جمهوری اسلامی ایران مطابق به اقتضائات زمان نبوده و برای جلوگیری از خروج جوانان و نخبگان و برای جذب و پذیرش نخبگان از مهاجران موجود و مهاجران بالقوه راهبرد و دستوراتی لازم و یا عملی ندارد.
قانون مدنی	- تابعیت براساس مکان تولد والدین و فرد تابعیت گیرنده - حق تابعیت برنسل دوم اتباع خارجی		
قانون مدنی	- امکان حق تابعیت برای متخصصان و نخبگان - عدم معرفی و الزام وجود مکانیزم مشخص		

تحلیل شبکه‌ای این مضامین نشان می‌دهد که سیاست‌های مهاجرتی جمهوری اسلامی ایران مطابق به اقتضائات زمان نبوده و برای جلوگیری از خروج جوانان و نخبگان و برای جذب و پذیرش نخبگان از مهاجران موجود و مهاجران بالقوه راهبرد و دستوراتی لازم و یا عملی ندارد.	قانون مدنی	دافعه رای جذب متخصصان، نخبگان، کارآفرینان و تحصیل‌یافتگان خارجی	
	قانون کار- بخش اشتغال اتباع خارجی	دافعه برای کارگران حرفوی و متخصص	سخت‌گیری و بروکراسی در جذب متخصصان
	قانون تملک- بخش اموال غیر منقول اتباع خارجی	دافعه برای کارآفرینان و سرمایه‌گذاران	
	آئین‌نامه اجرایی ماده ۱۲۹ قانون کار	دافعه برای جذب نیروهای متخصص و مستعد کار بوروکراسی پیچیده	- مانع سرمایه‌گذاری خارجی براساس موانع تملک
	آئین‌نامه تردد و اسکان اتباع خارجی	دافعه برای ورود مهاجران متخصص، کارآفرین و نخبه	موانع جذب نخبگان و گردشگران براساس موانع تردد
	قانون برنامه ششم	فقدان راهبرد مدون پیرامون مساله مهاجرت	فقدان برنامه برای جلوگیری از مهاجرت نخبگان

۱-۴. کهنگی و به‌روز نبودن قوانین مهاجرپذیری

برخی از قوانین و آئین‌نامه‌های مربوط به مهاجرپذیری به ده‌ها سال قبل بر می‌گردد. با توجه بر تحولات و تغییرات سریع در همه عرصه‌های اجتماعی، قوانین و مقررات نیز باید متناسب با زمان و شرایط روز باشد. در تمام کشورها قاعده نیز بر همین اصل استوار است که قوانین و آئین‌نامه‌های اجرایی و حتی قانون اساسی نظر به شرایط و الزامات زمان حاضر تغییر و تعدیل می‌شوند. اما، در جمهوری اسلامی ایران، برخی از قوانین مربوط به مهاجرپذیری حتی از سال ۱۳۰۸ نافذ است. و این نشان می‌دهد که دولت نسبت به مهاجرپذیری و سامان‌دهی بهتر مهاجران فاقد یک سیاست به‌روز شده و متناسب با شرایط حاضر است. قانون تابعیت و حقوق مدنی مهاجران مصوبه سال ۱۳۰۸ می‌باشد که به هیچ وجه با الزامات و اقتضانات فعلی سازگار نیست. قوانین اشتغال - بخش اشتغال اتباع خارجی، قانون تردد اتباع خارجی و قانونی بانکی نیز با توجه شرایط ویژه‌ی که ایران از مهاجرفرستی و کاهش شدید جمعیت دارد، مناسب وضع موجود نیست. قوانین باید مرتب و هم‌گام با تحولات و اقتضانات جامعه تجدید و به‌روز شود. زنده بودن، پاسخ‌گو بودن و برای جامعه نافع بودن از جمله ویژگی‌های یک قانون خوب است (عبداللهی، ۱۳۷۸). کهنگی و عدم قدرت پاسخگویی این قوانین موجب شده که از یک جانب مهاجران و نسل‌های آنان به عنوان یک تهدید تلقی شود و از جانب دیگر، دافعه‌های جذب متخصصان، کارآفرینان و سرمایه‌گذاران تشدید گردد.

۲-۴. فقدان مکانیسمی کارآمد در جلوگیری از مهاجرت بین‌المللی نخبگان

و جوانان ایرانی

آمار رصدخانه مهاجرت ایران (سالنامه مهاجرتی ایران) نشان می‌دهد که شمار مهاجران بین‌المللی ایران و مخصوصاً مهاجرت نخبگان ایرانی رو به افزایش بوده است هرچند، دولت و نظام سیاسی گهگاهی روی این چالش مهم مباحث مطرح نموده‌اند. اما، در عمل هیچ راهبرد و برنامه خاصی که جلو خروج نخبگان، متخصصان و جوانان ایرانی را بگیرد وجود نداشته یا حداقل این سیاست‌ها کارایی لازم را از خود نشان نداده است. چنانچه، آمارها از منابع مختلف نشان می‌دهد که

خروج و مهاجرت نخبگان، متخصصان و کارآفرینان ایرانی رو به افزایش بوده و در جای جای این پژوهش به آن آمارها اشاره شده است. این پژوهش، کلیه قوانین و آئین نامه جامعه آماری و مخصوصاً قانون برنامه ششم توسعه را مورد ملاحظه قرار داد اما، هیچ بند و ماده‌ی که در مورد جلوگیری از مهاجرت ایرانیان باشد وجود نداشت. کشورهای که با بحران مهاجرت نخبگان مواجه هست از یک طرف جاذبه‌های را برای جذب مهاجران نخبه خارجی فراهم می‌کند و از جانب دیگر مکانیسم‌ها و برنامه‌های تشویقی و حمایتی برای جلوگیری از خروج نخبگان خویش فراهم می‌کند (اسماعیلی، ۱۳۸۵).

۳-۴. نقش خنثای قوانین در برابر بحران سالخوردگی جمعیت و بحران

هویت

براساس نتایج یک پژوهش تحلیلی پژوهشکده آمار ایران، جمعیت این کشور رو به سالخوردگی است. سالخوردگی جمعیت کشور ایران معلول علت‌های گوناگون از جمله کاهش باروری، افزایش سن ازدواج، افزایش طلاق، بهبود خدمات پزشکی و درمانی، افزایش خدمات رفاهی و امثال آن می‌باشد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۱-۷۸). چنانچه، در روزهای اخیر صندوق جمعیت سازمان ملل زنگ هشدار را به صدا درآورد و عنوان نمود که تا سال ۲۰۵۰ یعنی حدود ۳۰ سال بعد جمعیت کشورهای توسعه‌یافته حدود ۸۰ درصد سالخورده خواهد بود که با توجه به اوضاع فعلی موالد و رشد جمعیت ایران، ایران نیز در میان این کشورها خواهد بود. شکی نیست که افزایش شمار سالخورده‌گان فشارهای اقتصادی و اجتماعی را روی جامعه، اقتصاد و دولت افزایش می‌دهد. به تناسب افزایش سالخوردگی جمعیت و تغییر هرم سنی جمعیت یک جامعه به سوی پیری؛ تعدادی نیروی کار نیز کاهش می‌یابد، هزینه‌ای درمانی و خدمات پزشکی افزایش می‌یابد، هزینه‌های صندوق بازنشستگی افزایش می‌یابد و درکل؛ نیروی کار و نیروی فعال جامعه به جمعیت مصرفی تبدیل می‌شوند. و از جانب دیگر فشار روانی و تشویش‌های سالخورده‌گان و اعضای خانواده‌های شان نیز به صورت مستقیم و غیرمستقیم آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را به وجود می‌آورد. امروزه درکنار مسائل اساسی جهان، افزایش جمعیت

سالخورده و تغییر هرّ م سنی به یکی از دغدغه‌های مهم کشورهای توسعه‌یافته تبدیل شده است. از آنجائیکه مهمترین سرمایه کشورها، جمعیت فعال و نیروکار آن قلمداد می‌شود، با خارج شدن جمعیت سالخورده از چرخه کار و اشتغال، سیاست‌گذاران کشورهای توسعه‌یافته در صدد باز یابی تعادل جمعیت‌شان از طریق جذب مهاجران جوان و نیروی کار فعال هستند (فرهادی، ۱۳۸۹: ۹۰-۹۲).

مهاجرت، بعد از میزان باروری و مرگ‌ومیر؛ سومین عامل برای سالمندی جمعیت تلقی می‌شود. زیرا، جوانان و مردان از عمده‌ترین گروه‌های مهاجر است. از یک جانب تعادل جنسیتی جمعیت به هم می‌خورد و از جانب با خارج شدن جوانان، سالمندی به صورت مستقیم و غیرمستقیم تشدید می‌شود (ضرغامی و میرزانی، ۱۳۹۴: ۷۵-۷۶).

در کنار این، تعلیق مواد قانون مدنی در بخش تابعیت، سبب بحران هویت در نسل‌های دوم، سوم و چهارم مهاجر خارجی در جمهوری اسلامی ایران شده است. نسل‌های که نه با جامعه‌ی اجدادی خود ارتباط دارند و نه در جامعه که متولد شده و زندگی می‌کنند هویت دارند (هودفر، ۱۳۸۶) (میرزانی، ۱۳۹۲: ۱۰۹) و (ربیعی، ۱۳۹۶: ۳۷). یک دولت مسوول، یک دولت میراث‌دار تمدن ایران کهن و یک دولت که پازل مهمی از واقعیت‌های مهمی جهانی است نباید در برابر این بحران بی‌علاقه و بی‌مسوولیت باشد. از جانب دیگر، بحران هویت سبب افزایش آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی می‌گردد (حاج حسینی، ۱۳۸۱: ۴۲-۳۹).

قوانین و آئین‌نامه‌های که بررسی شد به این معضل‌های ملی جامعه ایران، برنامه عمل مطابق به واقعیت‌های جهانی و اقتضائات زمان ندارد. قانون تابعیت که در مواد ۹۷۶ تا ۹۹۱ قانون مدنی ایران تسجیل شده است. علاوه بر سخت‌گیرانه بودن، بسیار کهنه و به‌روز نشده است زیرا، این قانون مصوبه سال ۱۳۰۸ در مجلس شورای ملی وقت ایران بوده است. این قانون، به‌هیچ وجه مطابق به شرایط و نیازهای عصر حاضر نیست و برخی از این مواد قانون که می‌تواند زمینه دادن تابعیت را به افراد خارجی که در جهت باز یابی تعادل جمعیت ایران کمک نماید، تطبیق و اجرا نمی‌شود. مثلاً بند (۴) ماده (۹۷۶) و مواد (۹۷۹ و ۹۸۰) این قانون عملاً تعطیل است و گونه نسل‌های

متولد شده‌ی مهاجران در ایران و اشخاص که خدماتی را برای کشور ایران انجام داده یا می‌تواند انجام دهد باید برایشان تابعیت داده می‌شد. دافعه دیگر برای متخصصان و نخبگان خارجی، ماده (۹۸۲) این قانون است که آن‌ها را از احراز موقعیت‌های مهم سیاسی، امنیتی و قضائی منع کرده است.

۴-۴. سکوت قوانین در جبران مهاجرت نخبگان

مهاجرت نخبگان یا فرار مغزها یکی از بزرگترین آسیب‌های یک جامعه شناخته می‌شود زیرا نخبگان و متخصصان جامعه ثروت اصلی و سرمایه ملی محسوب می‌شوند در نظریه‌های توسعه؛ یک نظریه براین تاکید دارد که سرمایه اصلی یک کشور منابع بشری تحصیل کرده و نیروی فعال آن می‌باشد (رسولی و حرمتی، ۱۳۹۵). برخی هم فراتر از فرار مغزها یا مهاجرت نخبگان به این نظر هستند که با فرار مغزها و مهاجرت نخبگان، پس از گذشت قرن‌ها از نظر ژنتیکی کشورهای نخبه‌پذیر (مقصد) به کشورهای نخبه تبدیل می‌شوند و درصد زن‌های هوشمند و نخبه‌آن‌ها به صورت گسترده افزایش می‌یابد و در نتیجه؛ در علوم، فنون، اقتصاد، سیاست و در همه امور دست‌بالا خواهند داشت و کشورهای نخبه‌فرست به کشورهای محروم و وابسته تبدیل می‌شوند (زلفی‌گل، ۱۳۸۳: ۱۳).

قوانین و آئین‌نامه که بررسی گردید، فاقد یک چشم‌انداز روشن و یک راهبرد عملی برای جذب و پذیرش نخبگان و جوانان با تحصیلات تکمیلی از سایر کشورهاست. این قوانین و به تبع آن سیاست‌های اعمالی این کشور، مهاجرت نخبگان و تحصیل‌یافتگان را یک مساله ندانسته و برای پر کردن خلاء ناشی از خروج بی‌رویه این اقشار، هیچ بند و ماده در قوانین مشاهده نشد. چنانچه، گفته شد خلاء مهاجرت نخبگان و نیروکار با جذب و پذیرش گروه‌های مشابه از کشورهای مهاجر پذیر ممکن تلقی شده است.

یکی از رویه‌ها و راهبردی‌های جهانی برای جبران فرار مغزها یا مهاجرت نخبگان، ایجاد جاذبه‌ها و فرصت‌ها برای جذب نخبگان از کشورهای مهاجرفرست است (اسماعیلی، ۱۳۸۵: ۱۳۹). جمهوری اسلامی نیز می‌تواند با ایجاد جاذبه‌ها و

فرصت‌های کاری، اقامتی، سرمایه‌گذاری و خدماتی به جذب نخبگان، سرمایه‌گذاران و کارآفرینان کشورهای منطقه اقدام نماید. جذب نخبگان از سایر کشورها، به عنوان یک رویه جهانی مطرح بوده و به ساده سرمایه‌های انسانی کشورهای دیگر را از خود ساخت. چنانچه، شاخص جهانی قدرت استعدادپذیری در سال ۲۰۱۳ به منظور رتبه‌بندی کشورها در این زمینه ایجاد شده است (صلواتی، ۱۴۰۰: ۳۲).

۴-۵. فقدان سیاست‌اعلامی و اعمالی برای ادغام مهاجران مقیم در ایران

یکی از آسیب‌های جدی در سیاست‌ها و قوانین مهاجرتی جمهوری اسلامی ایران این است که، در مورد ادغام اجتماعی و فرهنگی مهاجران خارجی که سالهاست این کشور را موطن‌شان انتخاب کرده‌اند، برنامه عمل و مکانیسمی تعریف نکرده است. به‌رغم گذشت بیش از چهاردهه از حضور این مهاجران؛ تا حال فرایند ادغام اجتماعی و فرهنگی آن‌ها در جامعه ایران، انجام نیافته است. عدم ادغام اجتماعی و فرهنگی در جامعه مقصد، آسیب‌های فراوانی را به وجود می‌آورد. این درحالی است که، شواهد و گزارش‌های زیادی نشان می‌دهد؛ این مهاجران که عمدتاً افغانستانی، عراقی، پاکستانی و از سایر کشورهای همسایه ایران هستند، یا قصد و تصمیم بازگشت ندارد یا شرایط کشورهای مبدأ مساعد بازگشت نیست و یا اینکه، این مهاجران چنان در تاروپود جامعه مقصد (ایران) نفوذ و ریشه کرده‌اند که این وابستگی‌های شان در کشور مقصد (ایران) مانع بازگشت آن‌ها می‌شود (عباسی شوازی و همکاران، ۱۳۹۵: ۹-۴۰، قنبری و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۹-۱۷۱ و جمشیدیها و عنبری، ۱۳۸۳: ۳۴-۸۶).

وجود مهاجران در کشور ایران یک واقعیت انکارناپذیر و غیرقابل چشم‌پوشی است و ممکن نیست همه این مهاجران بازگشت کنند یا دولت آن‌ها را وادار به بازگشت بتواند. پس راه‌حل، پذیرش این واقعیت و زمینه‌سازی برای استفاده موثر از این ظرفیت‌ها می‌باشد. از جانب دیگر فقدان ادغام اجتماعی- فرهنگی آسیب‌های اجتماعی ناشی از حضور مهاجران را بیشتر می‌سازد. اگر ادغام صورت نگیرد، تعارضات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی میان بومیان و مهاجران افزایش می‌یابد و بی‌هویتی، سرخوردگی، گسست فرهنگی و اجتماعی و ده‌ها آسیب دیگر به انحرافات

اجتماعی و سایر آسیب‌های اجتماعی دامن می‌زند (اسلامی، ۱۳۸۹: ۱۲۰).

۴-۶. موانع قانونی در استفاده از سرمایه‌های مادی و معنوی مهاجران

شکی نیست که، مهاجران کم‌و بیش دارای ظرفیت‌های مادی و معنوی هستند. کشورهایمانند ایالات متحده امریکا در استفاده از ظرفیت‌های مهاجران الگو و نمونه موفق جهانی در ساحت ادغام مهاجران و ساخت یک دولت - ملت دموکراتیک با تنوع فرهنگی و قومی می‌باشد. به‌طوری‌که، این کشور را ملت مهاجران می‌خوانند (قاسمی و امیری، ۱۳۸۹: ۱۳۳).

امادر ایران، اول؛ مهاجران سرمایه‌ها و نقدینگی‌های شان را در فقدان حق مالکیت و نداشتن حق اقامت در جاهای غیر از ایران سرمایه‌گذاری می‌کنند. چنانچه، گزارش‌های این مدعا را تایید می‌کند که مهاجران به دلایل متذکره در ترکیه و کشورهای حوزه خلیج فارس سرمایه‌گذاری کرده‌اند. دوم؛ به علت محدودیت در اشتغال؛ نیروهای نخبه، متخصص و کارآفرین به مهاجرت دومی رو آورده‌اند یا در این جامعه بی‌استفاده مانده‌اند (صادقی، ۱۳۸۶). سوم؛ به دلیل نبود فضای سرمایه‌گذاری مطمئن برای مهاجران و سخت‌گیری‌ها در قوانین بانکی، نقدینگی‌های زیادی بدون دوران و به کار افتادن روی دست مهاجران می‌ماند و به شدت تورم نیز می‌افزاید. و چهارم؛ این محدودیت‌های قانونی که به سرکوب و راکد شدن سرمایه‌های مالی و انسانی مهاجران انجامیده، پیامدهای دیگر چون: نارضایتی شدید مهاجران از کشور میزبان، افزایش تبلیغات سوء علیه دولت ایران، ناکامی در فرایند ادغام و انطباق مهاجران و سبب افزایش آسیب‌ها و انحرافات این مهاجران نیز می‌گردد

۵. بحث و نتیجه‌گیری

امروزه مهاجرت به یکی از مسائل اساسی جهان تبدیل شده است. کشورهای مهاجرفرست و مهاجرپذیر از این پدیده جهانی در ابعاد مختلف حیات اجتماعی متأثراند. جمهوری اسلامی ایران، در حالی، یکی از بزرگترین کشورهای مهاجرفرست و مهاجرپذیر تلقی می‌شود که با چند معضل اساسی مرتبط با پدیده مهاجرت مواجه است. یکم؛ افزایش مهاجرت نخبگان، نیروی جوان و با تحصیلات تکمیلی. دوم؛

سالخوردگی جمعیت و کندی در رشد جمعیت. سوم؛ عدم توانایی در جذب و پذیرش نیروهای نخبه، جوان و متخصص از کشورهای مهاجرفرست و چهارم، ناکامی در ادغام و انطباق مهاجران مقیم ایران. به نظر می‌رسد، دست‌کم بخش‌های مهم این مسائل، وابسته به سیاست‌های مهاجرتی این کشور است. سیاست‌ها می‌تواند اعلامی و اعمالی باشند منتها در این تحقیق که؛ با روش تحلیل مضمون انجام شده، سیاست‌های اعلامی و نافده این کشور (قوانین و آئین‌نامه‌ها) مرتبط با مهاجرت بررسی شده است. براساس مشورت با متخصصان و مطالعات عمومی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قانون مدنی و تابعیت، قانون اشتغال- بخش اتباع خارجی، قوانین بانکی، آئین‌نامه تردد و اسکان اتباع خارجی، قانون تملک و قانون برنامه ششم توسعه مطالعه شد. براساس کدگذاری‌های کلیدی، و تشکیل و تحلیل مضامین داده‌های مستخرج؛ مشخص گردید که: برخی از این قوانین مانند: قانون تابعیت بسیار کهنه و در عین حال لاجرا است و این به بحران هویت نسل‌های مهاجر انجامیده است و نیز مانع جذب نخبگان و متخصصان خارجی می‌گردد. از جانب دیگر، در هیچ یک از مفاد و مواد این قوانین به معضل خروج نخبگان و جوانان مستعدکار و راه‌های جبران آن چاره‌ی سنجیده نشده است و نیز در هیچ یکی از قوانین و آئین‌نامه‌های مطالعه شده، راهبرد و دستوراتی برای جذب و پذیرش نخبگان و متخصصان از کشورهای مهاجرپذیر اشاره نگردیده است. همچنین، برای ادغام و انطباق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مهاجران مقیم در این کشور و نیز در مورد استفاده موثر و بهینه از سرمایه‌های مالی و انسانی این مهاجران راهبرد و سیاستی در قوانین وجود ندارد. از سوی دیگر، علاوه بر ساکت بودن قوانین در برابر ادغام و جذب سرمایه‌های انسانی و مالی مهاجران، موانع و سخت‌گیری‌های در قوانین کار و اشتغال اتباع خارجی، قانون تملک، قانون بانک‌داری و آئین‌نامه تردد و اسکان اتباع خارجی وجود دارد که از دافعه‌های اصلی در جذب نخبگان خارجی، جذب سرمایه‌ها و سرمایه‌گذاری و نیز عامل اساسی در چالش‌زا بودن فرایند ادغام و سازگاری مهاجران در این جامعه تلقی می‌گردد.

۶. پیشنهادات:

۱. بازنگری و به‌روزرسان ساختن قوانین و آئین‌نامه‌های مهاجرتی این کشور، با در نظر داشت شرایط و ضروریات عصر حاضر و با الهام از کشورهای موفق جهان در مهاجری‌پذیری و مهاجرفرستی؛
۲. جلوگیری از مهاجرت نخبگان با تدوین راهبردهای علمی و عملی؛
۳. یک‌دست ساختن و روشن ساختن سیاست کلی دولت در برابر مهاجری‌پذیری؛
۴. اصلاح و بازبینی قانون و آئین‌نامه کار و اشتغال اتباع خارجی، قانون تملک، آئین‌نامه تردد و اسکان اتباع خارجی و رفع محدودیت‌های سرمایه‌گذاری، رفع محدودیت‌های کاری و اشتغال، رفع محدودیت قانونی مالکیت برای اتباع خارجی؛
۵. شناسایی، جذب و پرورش نخبگان و استعداد‌های برتر مهاجران موجود و مهاجران بالقوه؛
۶. طرح و اجرایی راهبردهای فرهنگی و اجتماعی برای ادغام مهاجران؛
۷. بازبینی و اجرایی کردن قانون تابعیت و حل معضل بحران هویتی در نسل‌های مهاجر؛
۸. طرح و اجرایی راهبردهای عملی برای استفاده موثر و بهینه از ظرفیت‌های مالی، فرهنگی و انسانی مهاجران مقیم در جمهوری اسلامی ایران.

۷. منابع

۱. ابراهیمی، یزدان (۱۳۸۱)، بررسی عوامل اقتصادی موثر بر گرایش دانشجویان رشته‌های برق و کمپیوتر به مهاجرت، پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی ۲۳-۲۴: ۷۵-۹۶.
۲. اسلامی، محمدکمال (۱۳۸۹)، آسیب‌های اجتماعی؛ عوامل و راهکارها؛ پیشاور، دانش.
۳. اسماعیلی، مهندس محمد؛ پیرامون مهاجرت نخبگان؛ مجموعه مقالات راهبرد

- یاس، سال دوم، شماره پنجم، صص ۱۳۷-۱۸۲.
۴. پویا علاءالدینی و یحیی امامی (۱۳۸۴)؛ جهانی‌شدن، فقر و مهاجرت در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۲۷-۱.
۵. پورقاضی، شیوا (۱۳۹۱) بررسی جامعه‌شناختی تمایل به برون کوچی نخبگان علمی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، گروه علوم اجتماعی
۶. ثریا، محمدی و همکاران (۱۳۹۵)؛ شناسائی عوامل موثر بر سالخوردگی جمعیت ایران در سال ۱۳۹۵؛ مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران، دوره ۲۷، شماره ۱۵۵، آذر ۱۳۹۶، صص ۷۱-۷۸.
۷. جعفری خانقاه، مهدی (۱۳۹۵)؛ جایگاه مهاجران افغانستانی در نظام برنامه ریزی وزارت ارشاد و فرهنگ، وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی، معاونت توسعه مدیریت و منابع، دفتر مطالعات و برنامه ریزی راهبردی اسلامی.
۸. جمشیدیها، غلام رضا و عنبری، موسی (۱۳۸۳)؛ تعلقات و اثرات آن بر بازگشت مهاجران افغانی؛ نامه علوم اجتماعی - شماره ۲۳، خرداد، صص ۴۳-۶۸.
۹. جواهری، فاطمه، سراج زاده، سید حسین (۱۳۸۴)، جلای وطن، بررسی عوامل موثر برگرایش دانشجویان به خارج کشور، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۳، ۵۳-۸۸.
۱۰. چلبی، مسعود و عباسی، رسول (۱۳۸۳)، تحلیل تطبیقی فرار مغزها در سطوح خرد و کلان. پژوهشنامه علوم انسانی، (شماره ۴۱-۴۲)، بهار و تابستان ۱۳۸۳.
۱۱. حسینی، حاتم، (۱۳۹۲)؛ جمعیت‌شناسی اقتصادی اجتماعی و تنظیم خانواده؛ همدان، انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.
۱۲. دهقان، مهدی (۱۳۸۲)، از فرار مغزها تا پدیده نو و ناشناخته مبادله مغزها. مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۱-۱۲، مرداد و شهریور ۱۳۸۲، صص ۲۲۰-۲۳۴.

۱۳. رسولی، رضا و حرمتی، سمیه (۱۳۹۵)؛ بررسی نقش منابع انسانی به عنوان سرمایه اجتماعی در توسعه کشور؛ ارائه شده در دومین همایش بین المللی مدیریت، اقتصاد و توسعه -۱۳۹۵.
۱۴. زلفی گل، محمدعلی (۱۳۸۳)؛ مهاجرت زن‌ها، فصلنامه سیاست گذاری علم و پژوهش (رهیافت)، صص ۱۳-۲۲.
۱۵. سرویس اجتماعی خبرگزاری ایسنا « تغییر ساختار جمعیتی ایران از جوانی به سالخوردگی»، <https://www.isna.ir/news/۹۹۰۲۳۰۲۱۹۴۳>
۱۶. سرویس خبری اقتصاد نیوز: به نقل سازمان نظام پزشکی از مهاجرت بیش از سه هزار پزشک ایرانی درایام کرونا خبرداد، کد خبر: ۳۸۴۸۶۹، منتشرشده: ۲۰ دیماه ۱۳۹۹؛ <https://www.eghtesadnews.com>
۱۷. سرویس اجتماعی خبرگزاری ایسنا « تغییر ساختار جمعیتی ایران از جوانی به سالخوردگی»، منتشرشده در: ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۹، <https://www.isna.ir/news>
۱۸. صلواتی، بهرام (۱۳۹۹)؛ سالنامه مهاجرتی ایران؛ تهران، انتشارات دانش‌بنیان‌فناور.
۱۹. طایفی، علی (۱۳۷۸). فرار مغزها یا شکار مغزها. مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل، مشکلات و چشمانداز اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی در ایران، جهاد دانشگاهی، تهران
۲۰. طلوع، ابوالقاسم (۱۳۷۸). فرار مغزها، جذب مغزها و گردش مغزها. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ماهنامه تحقیقات، سال اول، شماره ۳ و ۴.
۲۱. طیبی، سیرکمیل؛ عمازاده، مصطفی و رستمی حصوری، هاجر (۱۳۹۰) اثر فرار مغزها بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه. فصلنامه علمی- پژوهشی پگوهشهای رشد و توسعه اقتصادی، سال اول، شماره دوم، بهار ۱۳۹۰.
۲۲. عباسی شوازی، محمدجلالی، صادقی و رسول، محمدی، عبدالله (۱۳۹۵)؛ ماندن یا مهاجرت دوباره مهاجران بازگشته افغانستانی از ایران به کشورشان و عوامل تعیین کننده آن؛ نامه انجمن جمعیت شناسی ایران سال یازدهم شماره

۲۱ صص ۹-۴۰؛

۲۳. فرتن، یعقوب، شیخ، مرتضی (۱۳۹۶)، بررسی گرایش دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد به مهاجرت بین المللی، جامعه شناسی نهادهای اجتماعی، ۱۰، صص ۶۱-۷۹.

۲۴. فروتن، یعقوب (۱۳۹۶)، مهاجرین بالقوه در ایران: تبیین جمعیت شناختی و اجتماعی تمایلات مهاجرت به خارج از کشور، دوفصلنامه مطالعات جمعیتی، دوره ۳، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، ۲۱۶-۱۸۹.

۲۵. فرهادی، احمدفرهاد، توسعه پایدار، تهران، ۱۳۸۹.

۲۶. قاسمی، وحید، امیری، مریم (۱۳۸۹)؛ سازگاری اجتماعی و فرهنگی مهاجران ایرانی در آمریکا در آمریکا، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال چهارم، شماره ۸، صص ۱۳۱-۱۵۸.

۲۷. قنبری، محمد، حسینی، سید مصطفی و حیاتی، سلمان (۱۳۹۶)، تحلیل میزان رضایت از زندگی و تمایل به بازگشت مهاجران افغانستانی، مجله جغرافیای سیاسی، سال اول، شماره ۲، صص ۱۳۹-۱۷۱؛

۲۸. کاظمی پور، شهاب (۱۳۷۸). زمینهها و بسترهای علمی و اجتماعی فرار مغزها. مجموعه مقالات همایش مسائل، مشکلات و چشماندازهای اشتغال دانش آموختگان آموزش عالی در ایران، جهاد دانشگاهی، تهران

۲۹. نوابی، راشداحمد؛ جمعیت شناسی اجتماعی؛ بی جا، ۱۳۹۱، صص ۲۱-۲۴.

Migration Governance in Iran: Policy Gaps and Managerial Challenges

Abstract: Currently, the Islamic Republic of Iran is facing four major national challenges: the increasing aging population and slow population growth, the rising emigration of elites and young people, the failure to attract talented individuals from other countries, and challenges in integrating and adapting resident migrants. A significant part of these